



آموزه یازدهم: پرچم‌داران

شعرهای میهنی، برای بیان حسّ غرور، عظمت و افتخار ملی سروده می‌شوند. به هنگام خواندن این گونه متن‌ها باید با

حفظ استواری کلام و تأکید بر واژگان کلیدی متن، همچون «وطن...» لحن مناسب و آهنگ حماسی را به کار گرفت.

ایران سرزمین بزرگ و عزیز و شکوهمند است. سرزمینی که دین و زبان و فرهنگ و جسم و جان من و تو در آن پرورش یافته و اکنون

پاره‌ای از پیکره ماست.

اگرچه در طول تاریخ ستم‌ها و گزندهای فراوانی دیده، اما هرگز ایمان، عزت و اراده استوار خود را از دست نداده است.

میهنی که در دوران دفاع مقدس، لحظه‌های تلخ و شیرین بسیاری را به چشم دیده و گرمی خون دلاوران را بر پیکر خود احساس کرده است و

شهدای بسیاری را در دل خود جای داده و از گستاخی و بی‌رحمی‌های دشمن، خون دلها خورده است.

در دوران جنگ تحمیلی، خیل عظیم نوجوانان و جوانان بسیجی و جان برکفان ارتشی و سپاهی، این پهنه خدایی را به بنیانی استوار و سدی نفوذ

ناپذیر و پایدار در برابر هجوم وحشیانه صدام و حامیان آمریکایی او تبدیل کرد.

قلمرو زبانی: پیکره: بدن / گزند: آسیب / عزت: ارجمندی / استوار: پابرجا، پایدار / مقدس: پاک / شهدا: ج شهید / خیل: جمع، گروه، دسته /

عظیم: بزرگ / پهنه: گستره، میدان / بنیان: پایه، پی، شالوده / حامی: حمایت کننده، پشتیبان / قلمرو ادبی: از دست دادن: کنایه / جسم و جان؛

تلخ و شیرین: تضاد / دل: جانبخشی (میهن مانند انسانی انگاشته شده که دل دارد.) / خون دلها خوردن: کنایه از رنج بسیار کشیدن / جان بر کف:

کنایه از آماده جان باختن

در آن ایام که دشمن، از آسمان و زمین آتش بمب و موشک بر سر مردم بی‌گناه این سرزمین فرومی‌ریخت، ایران سرافراز هرگز رنگ نیاخت

و بر خود نلرزد و جنب و جوش خود را رها نکرد برجا ماند و درس پاکی، پایداری و پاسداری را به انسان‌های آزاده و دل زنده جهان آموخت.

آری در دوران دفاع مقدس جوانان مؤمن و سربازان شجاع این ملت در برابر تازش دشمن به لطف پروردگار مهربان، حماسه‌های شگفت‌انگیز

آفریدند و پس از پایان جنگ تحمیلی، همت و تلاش همه سربازان سربلند و دلاوران رشید با علم و دانش و تخصّص و تعهد در آمیخت، تا حافظ

آبروی این سرزمین آسمانی و بیانگر فکر ایرانی باشد.



امروز نوجوانان شاداب و با ایمان و جوانان سرزنده و پاک آیین میهن اسلامی همانند قلل استوار پایدارند که مایه عزت و افتخار نسل‌های امروز و فردایند و سیمای وطن را به زیور و شکوه خلاقیت و نوآوری می‌آرایند و به لطف خداوند بزرگ در همه عرصه‌ها و میدان‌ها پرچم ایران اسلامی را با سرود سرفرازی و آزادمنشی برخواهند افروخت.

قلمرو زبانی: ایام: روزها، ج یوم / **باختن:** از دست دادن (بن ماضی: باخت؛ بن مضارع: باز) / **جنب و جوش:** کوشش / **آموختن ب:** یاد دادن (بن ماضی: آموخت؛ بن مضارع: آموز) / **تازش:** حمله / **همت:** اراده / **رشید:** دلیر / **تعهد:** پایبندی / **درآمیختن:** ترکیب کردن (بن ماضی: درآمیخت؛ بن مضارع: درآمیزم) / **حافظ:** نگهبان / **قلل:** قله‌ها / **سیما:** چهره / **زیور:** زینت / **خلاقیت:** آفرینشگری / **آراستن:** آرایش کردن، بزک کردن (بن ماضی: آراست؛ بن مضارع: آرا) / **عرصه:** میدان، گستره / **آزادمنشی:** آزادگی، وارستگی / **برافروختن:** روشن کردن (بن ماضی: برافروخت؛ بن مضارع: برافروز) / **قلمرو ادبی: آسمان، زمین:** تضاد / **رنگ باختن:** کنایه از ترسیدن / **بر خود لرزیدن:** کنایه از ترسیدن / **پاکی، پایداری و پاسداری:** واج آرایی / **دل زنده:** کنایه از سرزنده و شاداب / **همانند قلل:** تشبیه / **سیمای وطن، زیور و شکوه خلاقیت و نوآوری:** اضافه تشبیهی

۱- ای وطن ای دل مرا ماوا / ای وطن ای تن مرا مسکن

قلمرو زبانی: ماوا: پناهگاه، منزل / **مسکن:** منزل، مکان سکونت / **را:** اضافه گسسته / **قلمرو ادبی: قالب:** قطعه / **ای وطن:** استعاره

بازگردانی: ای وطن، ای که پناه دل منی و خانه ای برای تن منی. (تو مایه امنیت و آرامش منی)

۲- ای وطن ای تو نور و ما همه چشم / ای وطن ای تو جان و ما همه تن

قلمرو زبانی: قلمرو ادبی: تو نور؛ ما همه چشم؛ تو جان؛ ما همه تن: تشبیه / **تو، همه:** واژه آرایی / **جان؛ تن:** تضاد / **چشم، جان، تن:** مراعات نظیر

بازگردانی: ای وطن! تو مانند نور تابناکی و ما نیز همچون چشمانی که برای دیدن به نور نیاز دارند. تو همچون روحی در کالبد ما جای داری.

۳- نکته ای گویمت که گر شنوی / شاد، مانی به جان و زنده به تن

قلمرو زبانی: گر: اگر / **شنوی:** بشنوی / **مانی:** می مانی (بن ماضی: ماند؛ بن مضارع: مان) / **قلمرو ادبی: جان؛ تن:** تضاد

بازگردانی: مطلب مهمی را به تو می‌گویم که اگر آن را بشنوی جانت شاد و خوشدل می‌شود و تنت زنده می‌ماند.

۴- آدمی را چو هفت مهر به دل / نبُود کم شمار از اهریمن

قلمرو زبانی: چو: هنگامی که / **مهر:** مهربانی، عشق / **نبُود:** نباشد (بن ماضی: بود؛ بن مضارع: بو) / **اهریمن:** شیطان / **قلمرو ادبی:**



بازگردانی: اگر آدمی را دیدی که هفت عشق در دلش جا ندارد، از شیطان نیز کم ارزش تر شمارش.

۵- مهر ناموس و زندگانی و دین / عزت و خاندان و مال و وطن

قلمرو زبانی: ناموس: آبرو / عزت: سربلندی / خاندان: خانواده / قلمرو ادبی:

بازگردانی: عشق به همسر، زندگی، دین، سربلندی، خاندان پیامبر، ثروت و میهن

۶- و آن که حبّ وطن نداشت به دل / مرده زان خوب تر به باور من

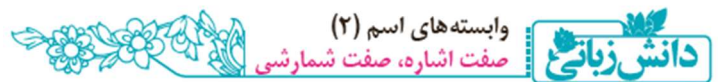
قلمرو زبانی: حبّ: عشق / به: به معنای در / قلمرو ادبی:

بازگردانی: اما هر کس که عشق به میهن در دلش نباشد، به باور من، از مرده کم ارزش تر است!

ادیب الممالک فراهانی



- ۱- در متن درس، سرزمین ایران با چه ویژگی‌هایی توصیف شده است؟ - سرزمین بزرگ و گرمی و شکوهمند، سرزمینی خون دل خورده، سرزمین ستم دیده، سرزمین عزتمند و استوار، سرزمین آسمانی، لحظات تلخ و شیرین دیده و ...
- ۲- درباره ارتباط حدیث «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» با محتوای درس، توضیح دهید. - این حدیث دوست داشتن میهن را نشانه ایمان می‌داند و درس یازدهم نیز درباره عشق به میهن و علاقه به آن است. (حُبُّ الْوَطَنِ: میهن دوستی)
- ۳- به نظر شما برای عزت و سربلندی ایران اسلامی در عرصه‌های جهانی چه باید کرد؟ - باید خردمند باشیم؛ عاقلانه بیندیشیم؛ به خود تکیه کنیم؛ دانش‌های روز را بیاموزیم و بکشیم کشوری سربلند و نیرومند داشته باشیم.



به جمله‌های زیر، توجه کنید.

۱- آن قهرمان، پیروز شد.



۲- من این میز را ساختم.

در هر دو گروه اسمی مشخص شده، کلمه (آن، این) پیش از اسم «صفت اشاره» است که درباره دوری و نزدیکی آن اسم توضیح می‌دهد. چون صفت اشاره قبل از اسم می‌آید «وابسته پیشین» خوانده می‌شود. اکنون جمله‌های زیر را بخوانید:

۳- چهار دانش آموز به همان کلاس آمدند.

۴- اولین گروه در همین مسابقه پیروز شدند.

به گروه‌های اسمی مشخص شده در جمله‌های ۳ و ۴ توجه کنید. در هر دو گروه اسمی، کلمه ای که قبل از اسم آمده است، صفت شمارشی است و درباره شمار اسم توضیح می‌دهد.

اعداد اصلی (یک، دو، سه و ...) و ترتیبی (اولین، دومین، سومین و ...) صفت شمارشی هستند. صفت‌های شمارشی که پیش از اسم می‌آید، وابسته پیشین اسم نامیده می‌شود. اکنون گروه‌های اسمی جمله‌های ۱ تا ۴ را به هسته و وابسته، تقسیم می‌کنیم.

| | گروه اسمی | |
|-----------|--------------|--------------|
| هسته | وابسته پیشین | وابسته پیشین |
| | صفت شمارشی | صفت اشاره |
| قهرمان | - | آن |
| میز | - | این |
| دانش آموز | چهار | |
| کلاس | - | همان |
| گروه | اولین | |
| مسابقه | - | همین |



۱- نمونه‌هایی از زیبایی‌ها و جاذبه‌های شهر و استان خود را بیان کنید. - به عهده دانش آموزان

۲- درباره راه‌های حفظ منابع طبیعی کشور عزیزمان، ایران، گفت و گو کنید. - ایران سرزمین چهار فصلی است که دارای کوه‌های سر به فلک کشیده شده دشت‌های فراخ، کویرهای زیبا، جنگل‌های انبوه، باغ‌های پر میوه، زمین‌های باردار و دریا‌های نیلگون است. نیز از منابع طبیعی



بسیاری برخوردار است. بر ماست که قدر این منابع را بدانیم. طبیعت را از بین نبریم. جنگل ها را ویران نکنیم. کوشش کنیم این منابع با ارزش حفظ شود و به آیندگان برسد.



۱- چهار واژه مهم املایی از متن درس بیابید و برای هر کدام، یک متضاد و یک مترادف بنویسید. -

| کلمه | مترادف | متضاد |
|--------|-------------|--------|
| عظیم | بزرگ | صغیر |
| حامیان | حمایت کننده | دشمنان |
| رها | آزاد | اسیر |
| عزت | ارجمندی | ذلت |

۲- جمله‌های زیر را به اجزای آن تجزیه کنید؛ سپس هسته و نوع وابسته گروه‌های اسمی را مشخص کنید.

❑ دشمن بی رحم، بمب بر مردم بی گناه، فرومی ریخت.

❑ این ملت شجاع، در هشت سال، حماسه‌های شگفت‌انگیز آفریدند.

| نهاد | مفعول | متمم | فعل |
|--------------|----------------------|-----------------|------------|
| دشمن بی رحم | بمب | بر مردم بی گناه | فرومی ریخت |
| این ملت شجاع | حماسه‌های شگفت‌انگیز | در هشت سال | آفریدند |

۳- در متن درس، یک تشبیه بیابید و رکن‌های اول و دوم آن را مشخص کنید. - جوانان سرزنده و پاک آیین میهن اسلامی (مشبه)،

همانند (ادات) قُلل (مشبه به) استوار و پایدارند (وجه شبه).



الفبای خط فارسی در مقایسه با الفبای خطهای مشهور دنیا، پرنقطه ترین است؛ بنابراین، در نوشتن املا لازم است حرفهای یک نقطه ای، دو نقطه ای و سه نقطه ای را بشناسیم و نقطه هر حرف را در جای خاص آن قرار دهیم. مثال: نزد، ترد، بنی، نبی.



■ ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من! / ای تواناترین مظلوم / تو را دوست دارم!

قلمرو زبانی: مظلوم: ستم دیده / قلمرو ادبی: ای وطن: استعاره

بازگردانی: ای سرزمین من، ای استوار در سرسبزی، ای آفتاب آشکار، ای مظلومترین سرزمین که تواناترین سرزمینی. تو را دوست دارم.

■ ای آفتاب شمایل دریادل / که نام خیابان هایت را شهیدان برگزیده اند / ای فروتن نیرومند! / ایستاده ایم در کنار تو، سبز و سربلند /

قلمرو زبانی: شمایل: چهره / برگزیدن: انتخاب کردن (بن ماضی: برگزید؛ بن مضارع: برگزین) / قلمرو ادبی: آفتاب شمایل: تشبیه (کسی که چهره

اش مانند آفتاب است) / دریا دل: تشبیه (کسی که دلش مانند دریا بخشنده است.) / سبز: مجاز از شاداب

بازگردانی: ای وطن که صورتت مانند آفتاب و دلت همچون دریا است. ای وطن که شهیدان بسیاری داده ای. ای فروتن توانمند. ما شاداب و

سرافراز از تو دفاع می کنیم.

■ و تو آن درخت گردوی کهن سالی / و بیش از آنکه من خوف تیر را نگرانم، / تو ایستاده ای

قلمرو زبانی: خوف: ترس / را: برای / قلمرو ادبی: تو آن درخت گردوی کهن سالی: تشبیه

بازگردانی: و تو مانند درخت گردوی کهنسال، شکوه مندی. بیشتر از آنکه من از ترس تیر نگران باشم تو استوار ایستاده ای.

■ و پسران تو / مردان نیایش و شمشیرند / و مادران صبوری داری / و پدرانی به غایت، جرئت مند. / دوست دارم تو را / آن گونه که عشق را

/ دریا را / آفتاب را ... /

قلمرو زبانی: به غایت: بی نهایت / جرئت مند: باجرات / قلمرو ادبی: شمشیر: مجاز از جنگ / آن گونه که عشق: تشبیه

بازگردانی: پسران این سرزمین مردان دعا و نماز و جنگ اند. مادرانت بردبارند و پدرانت بسیار نترس. عشق من به تو مانند عشق به عشق، دریا، آفتاب است.



☐ ای مجمع‌الجزایر گل‌ها، خوبی‌ها! / ای بهار استوار! / ای اقیانوس موج عاطفه و خشونت ...، / ای شکیبای شکوهمند!

قلمرو زبانی: مجمع‌الجزایر: چندین جزیره نزدیک به هم / **قلمرو ادبی:** مجمع‌الجزایر گل‌ها: استعاره (تو مانند سرزمین گلی) / ای بهار استوار: استعاره / اقیانوس موج عاطفه و خشونت: تشبیه (عاطفه و خشونت مانند اقیانوس است)

بازگردانی: تو مانند گلستان و مجمع خوبی‌هایی، مانند بهار سرسبزی و استواری. تو لبریز از عاطفه و احساس و خشمی. تو شکیبای و شکوهمندی.

☐ کجای زمین از تو عاشق‌تر است؟ ... / من از تو بر نمی‌گردم تا بمیرم / و مرگ در کنار تو زندگی است / تو را دوست می‌دارم ...

قلمرو زبانی: برگشتن: (بن ماضی: برگشت؛ بن مضارع: برگرد) / **قلمرو ادبی:** از کسی برگشتن: کنایه از به کسی پشت کردن و او را کنار گذاشتن / کجای زمین از تو عاشق‌تر است؟: استعاره / مرگ در کنار تو زندگی است: متناقض نما (سالهای بعد می‌خوانید).

بازگردانی: تو از همه سرزمین‌ها برتری. من به تو پشت نمی‌کنم. مرگ برای تو زندگی جاودان است. تو را دوست دارم.

☐ چقدر به اقیانوس می‌مانی! / برای تو و به خاطر تو / ای پهلوان فروتن! / خدا چقدر مهربانی‌اش را وسعت داد

قلمرو زبانی: مانستن: مانند بودن (بن ماضی: مانست؛ بن مضارع: مان) / **قلمرو ادبی:** به اقیانوس می‌مانی: تشبیه

بازگردانی: تو مانند اقیانوسی. ای سرزمین پهلوانان فروتن. خدا لطف کرد که تو را نصیب ما کرد.

☐ در دورهای کویر طبس / آن اتفاق / یادت هست؟ / نه من بودم و نه هیچ‌کس / خدا بود و گردباد...

قلمرو زبانی: دورهای کویر: کویر دوردست / **قلمرو ادبی:** تلمیح: اشاره به رخدادی دارد که چند بالگرد آمریکایی بر آن بودند پنهانی وارد ایران شوند و طوفان‌شن باعث فروپاشی نقشه آنها شد.

بازگردانی: در کویر دوردست کویر، یادت هست که چه رخ داد. آن‌جا فقط خدا بود و بس.

☐ وطن من، آه ای پوپک مؤدب! / ای رویین‌تن متواضع! / ای متواضع رویین‌تن! / ای وطن من!

قلمرو زبانی: پوپک: هدهد / مؤدب: با ادب / رویین‌تن: آنکه بدنی نیرومند دارد و ضربهٔ اسلحه بر او اثر ندارد. / **قلمرو ادبی:**

بازگردانی: تو مانند هدهد با ادبی. ای نیرومند و آسیب‌ناپذیر، ای میهن من. از آسمان سبز؛ سلمان هراتی